



چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و شرکت‌های هرمی

* محمد جواد رضاپور * * جواد ریاحی * * * محمد حسین رجیبه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۲

چکیده

یکی از موضوعات مهمی که در زمینه ارتکاب شبکه‌ای جرایم ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری قابل بررسی است، تشریفات رسیدگی به این جرایم است. چراکه اگر شیوه رسیدگی به جرایم یادشده فاقد شفافیت مقرراتی و توأم با نواقص و کاستی‌هایی از حیث زیرساخت و امکانات سخت‌افزاری و نیروی انسانی واجد شرایط باشد، در عمل، مبارزه مؤثر علیه جرایم مزبور با مشکلات جدی روبرو می‌شود؛ هرچند مقررات ماهوی مربوط به آن جرایم کامل و بی‌نقص باشد. تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی به بررسی این مسأله پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مقررات شکلی مربوط تشریفات رسیدگی به ارتکاب شبکه‌ای جرایم ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری ناقص بوده و جامع و مانع نیست. به علاوه، فقدان شعب تخصصی و کمبود نیروی انسانی کارآمد و آموزش‌دیده در رسیدگی به ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس، ارتشاء و شرکت‌های هرمی از خلاهای جدی و چالش‌های مهم مربوط به تشکیلات و تشریفات رسیدگی به این جرایم می‌باشد. واژگان کلیدی: تشریفات رسیدگی، ارتکاب شبکه‌ای، ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری.

* دانشجوی دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

نویسنده مسئول

** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

مقدمه

در برخورد با ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری و نیز شرکت‌های هرمی، سیاست کیفری مقنن ایران که در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلت نظام منعکس است، سیاستی سخت‌گیرانه و شدت‌گرایانه است به طوری که مطابق مقررات یادشده، محکومان در اختلاس شبکه‌ای به رد مال در حق دولت یا بزه‌دیده و همچنین، در ارتشا شبکه‌ای به ضبط کلیه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده است، به نفع دولت و در هردو بزه ارتكابی فوق به جزای نقدی معادل مجموع اموال تحصیل شده در حق دولت و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد و در صورتی که مرتکبین مصداق مفسد فی‌الارض باشند، به مجازات افساد فی‌الارض که طبق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعدام می‌باشد، محکوم خواهند شد.

همچنین، مطابق بند ج ماده یک قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۸ که اشعار داشته است... رشا و ارتشا عمده در امر تولید و یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست‌های تولیدی کشور شود و امثال آنها و همچنین، مطابق بند ز ماده یک قانون اخیرالذکر که اشعار داشته است تاسیس، قبول، نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، موسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا به نحوی که اعضای جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی یابد که در هر دو مورد با رعایت تبصره آن ماده در خصوص تشخیص کلان و عمده بودن یا فراوان بودن، قاضی بایستی علاوه بر ملحوظ نظر قراردادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوءاستفاده و آثار فساد حسب مورد نظر کارشناس و یا مرجع ذیربط را جلب نماید و مطابق ماده ۲ قانون اخیرالذکر، در صورتی که اقدام مرتکب به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و یا مقابله با

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۵۷

آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد افساد فی الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت، به حبس از پنج تا بیست سال و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد و همچنین، به شلاق از بیست تا هفتاد و چهار ضربه در انظار عمومی محکوم خواهد شد و الا مطابق تبصره یک ماده ۲ قانون موصوف مرتکب علاوه بر رد مال حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده است، محکوم خواهد شد.

در این راستا، دستگاه عدلیه نیز عزم خود را جزم نموده و اقداماتی را در جهت برخورد با این جرایم از جمله تاسیس دادرسی جرایم اقتصادی و آموزش لازم به ضابطین و تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ... صورت داده است. لیکن، متأسفانه موضع قانونگذار در تقنین قوانین مرتبط شفاف نبوده و در عمل، مشکلات زیادی را برای قضات به وجود آورده است. به عنوان مثال، در رویه قضایی اتفاق نظری در ارتکاب شبکه‌ای و مفهوم و مصادیق آن وجود ندارد و یا در خصوص اینکه آیا ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موضوع و مفسر ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلت نظام است یا خیر، اختلاف وجود دارد. همچنین، آیا تبصره یک ماده یک قانون اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور (کسب نظر کارشناس یا مرجع ذیربط) در خصوص بزه ارتشاء شبکه‌ای مضبوط در ماده ۴ قانون تشدید مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ نیز مجری خواهد بود یا خیر و همچنین، در خصوص مصادیق شرکت‌های هرمی، ابهام قوانین موجب توسعه تفسیر قانون بر فعالیت شرکت‌های مشروع هم می‌شود یا خیر؟ محور بحث در این مقاله، چالش‌های ارتکاب شبکه‌ای در سیاست کیفری قضائی و در واقع، چالش‌های مربوط به امور شکلی است. چالش‌های تشریفات رسیدگی به نوبه خود به چند بخش تقسیم می‌شود. از این رو، در ادامه در قالب چند بند مجزا، چالش‌های تشریفات رسیدگی بررسی می‌گردد.

۱. چالش ناشی از حق برخورداری از وکیل

جهات شروع به تحقیقات در ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است. پس از جمع‌آوری ادله، نوبت به حضور متهم می‌رسد. یکی از الزاماتی که برای یک دادرسی عادلانه وجود دارد، این است که رسیدگی با حضور متهم انجام شود. این حق با اصل برابری سلاح‌ها ارتباط دارد، زیرا با حضور متهم موجبات دفاع از خود و چالش با دادستان فراهم می‌شود و می‌تواند با سوال از شهود به خصوص در مرحله دادرسی و دادگاه، آنها را با چالش مواجه کند و دلایل اثبات بی‌گناهی خود را ارائه دهد. بنابراین، نباید فراموش کرد که مهیا کردن زمینه حضور متهم یکی از الزامات دادرسی عادلانه است که در اسناد حقوق بشری نیز مورد کلید قرار گرفته است. بر همین اساس، در موارد خاصی از نظر فقهی دادرسی غیابی تجویز نشده است، زیرا با حق حضور متهم منافات دارد (صابر، ۱۳۹۴: ۱۹۰) مطابق ماده ۱۶۸ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای احضار هر فرد به عنوان متهم بایستی دلایل کافی بر توجه اتهام به وی وجود داشته باشد.

منظور از وجود دلایل کافی که در ماده ۱۶۸ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تاکید قرار گرفته است، دلیل اثبات‌کننده جرم نیست، بلکه دلایل ارائه شده برای توجیه‌کننده احضار متهم و شروع به تحقیق از او می‌باشد. وجود دلیل یک امر نسبی است و ارزش قضایی دلایل که برای احضار ضروری است، با دلایل مورد نیاز برای تفهیم اتهام و دلایل تفهیم اتهام نسبت به دلایل مورد نیاز برای صدور قرار تامین متفاوت است، کما اینکه قدرت اثبات و ارزش دلایل مورد نیاز برای جلب دادرسی نسبت به دلایل مراحل قبلی به شرح فوق و از طرفی، نسبت به دلایل مورد نیاز برای محکومیت در دادگاه متفاوت است (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۷۱)

ادله اثبات دعوا نیز مطابق ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عبارتند از اقرار، شهادت شهود، قسامه و سوگند و در موارد مقرر قانونی علم قاضی است که بایستی اسناد کتبی که در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی نیز به آن اشاره شده است، به آن

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۵۹

اضافه نمود. از طرفی، قانونگذار به بازپرس این اختیار را داده است بدون این که ابتدئاً احضاریه فرستاده شود، دستور جلب دستگیری متهم را صادر نماید. مطابق ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرایم ذیل بازپرس می‌تواند بدون آنکه احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید:

الف) در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات قطع عضو و یا حبس ابد است.

ب) هرگاه محل کسب یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسد.

پ) در مورد جرایم تعزیری درجه پنج به بالاتر در صورتی که از اوضاع و احوال و قرائن موجود بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود.

ت) در مورد اشخاصی که به جرایم سازمان‌یافته و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی متهم باشد.

پس بنابراین، همانطور که ملاحظه می‌شود، قانونگذار در صورت ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس ارتشا و شرکت‌های هرمی با توجه به ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این اختیار را به بازپرس داده است که در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام به متهم، دستور احضار یا جلب ابتدایی متهم را صادر کند.

با حضور متهم نزد بازپرس، تحقیقات از وی آغاز می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که هرچند که برخی از قضات معتقدند که تحت نظر قرار دادن متهم بیش از ۲۴ ساعت و حداکثر تا ۴۸ ساعت مجاز است (رک. جزوه دوره نهم آموزشی کارآموزان قضایی استان کرمانشاه، دکتر اعظمی)، اما با توجه به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۳۵۵ مورخه ۱۳۹۳/۷/۱۱، به نظر می‌رسد با توجه به مجموعه مقررات مواد ۴۴، ۴۶ و ۱۸۹ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این نتیجه ارائه می‌شود که متهم در جمع توسط بازپرس و ضابطان می‌تواند حداکثر ۲۴ ساعت تحت نظر قرار بگیرد. به هر حال، سیستم تحقیقات مقدماتی در ایران سیستمی تفتیش است که یکی از خصایص آن غیرعلنی

۲۶۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

بودن و غیرترافیعی بودن آن است، مگر در جرایم قابل گذشت که بازپرس مکلف است در صورت امکان، سعی در صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید. در جرایم موصوف، اصولاً شاکی افراد اعم از حقیقی یا حقوقی می‌باشند و گزارش‌دهنده آن معمولاً وزارت اطلاعات یا سازمان بازرسی کل کشور یا دیوان محاسبات و غیره‌اند. در هر حال، تحقیق از شاکی و متهم با توجه به اینکه این جرایم غیرقابل گذشت هستند، غیرعلنی و به صورت انفرادی است؛ اما چالش اساسی بعد از حضور متهم در نزد بازپرس و تفهیم اتهام به وی صورت می‌گیرد.

نخستین چالش آن تعیین وکیل برای متهم است. مطابق تبصره یک ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین، جرایم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی، طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس قوه قضاییه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مذکور توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌شود.

اولاً، متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند یک نفر وکیل دادگستری را همراه خود داشته باشد. مستفاد از ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در عین حال، کلمات یک نفر قبل از وکیل دادگستری در ماده ۱۹۰ قانون فوق‌الذکر نیز در مقام بیان اصل این حق بوده، نه حصر عدد وکلای متهم. امکان تعداد وکلای متهم در امور کیفری در ماده ۳۴۶ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان شده و تبصره ماده ۴۸ نیز به وکیل یا وکلای طرفین در مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرده است (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۷۶). اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۳/۱۳۱۳ مورخه ۱۳۹۳/۶/۸ بیان داشته است مستفاد از ماده ۱۹۰ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این است که اگر متهمی بیش از یک وکیل داشته باشد، فقط می‌تواند یکی از وکلای خود را در شعب بازپرسی همراه داشته باشد و

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۶۱

یا اینکه کدام وکیل همراه متهم باشد، به اختیار متهم است، نه بازپرس. بنابراین، همانگونه که اشاره می‌شود، قانونگذار حق تعیین وکیل به متهم را داده است. لیکن، متهم می‌تواند صرفاً در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک وکیل حاضر نماید. لیکن، آن وکیلی که بر اساس تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که مجازات آن مشمول ماده ۳۰۲ قانون موصوف است، بایستی از بین وکلای دادگستری و کانون مشاوران^۱ باشد و ثانیاً، این وکلا بایستی به تأیید رئیس قوه قضاییه نیز رسیده باشند. هرچند که متن اولیه تبصره بدین قرار بود که اگر شخص به علت اتهام ارتکاب یکی از جرایم سازمان‌یافته و یا جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، سرقت، قاچاق مواد مخدر و روانگردان و یا جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ ماده ۳۰۲ این قانون تحت نظر قرار گرفت، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد که با حذف این تبصره و جایگزینی تبصره فعلی، محدودیت معطوف به شخصیت وکیل است، نه نحوه عمل او؛ چرا که گسترده بودن میزان جرایم در تبصره مزبور سبب حذف آن در اصلاحات شد. تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حق برخورداری متهم از وکیل را ضایع نمی‌کند و از این حیث، مغایر اصل ۳۵ قانون اساسی نیز نمی‌باشد، اما حق انتخاب وکیل را محدود می‌کند (طهماسبی، ۱۳۹۴: ۹۲). لازم به ذکر است تاکنون در خود شهر تهران قریب به بیست نفره وکیل مورد تأیید رئیس قوه قضاییه قرار گرفته و سایر استان‌ها نیز این لیست در دسترس عموم قرار گرفته است. (به نقل از سایت www.tasnimnews.com/fa/news/ مورخه ۱۴/۰۳/۱۳۹۷).

همچنین، مطابق تبصره ۲ ماده ۱۹۰ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تکلیف بازپرس برای تعیین وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی در صورتی که متهم وکیل معرفی نکند و جرم ارتكابی وی که مجازات آن سلب حیات و حبس ابد

^۱مقرره قانونی آن ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۷/۱/۱۳۷۹ با اصلاحات بعدی می‌باشد.

۲۶۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

می‌باشد، وجود دارد که در این صورت، بازپرس مکلف است مراتب را به کانون وکلا و یا دایره ارشاد و معاضدت قضایی مستقر در دادگستری‌ها اعلام نماید تا از این طریق، یکی از وکلای دادگستری به عنوان وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات مقدماتی از متهم دفاع کند.

بنابراین، هرچند ممکن است برخورداری متهم از وکیل، فرایند تحقیق را با کندی مواجه کرده و به چالش بکشد، اما اصل برابری سلاح‌ها ایجاب می‌کند که متهم از مزایای یک دادرسی عادلانه و منصفانه برخوردار باشند.

۲. چالش جمع‌آوری ادله و کنترل ارتباطات مخابراتی

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۵۰، کنترل ارتباطات مخابراتی افراد را ممنوع دانسته، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرایم موضوع بندهای الف، ب و ت ماده ۳۰۲ این قانون لازم تشخیص داده شود که در این صورت، با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل ارتباطات مخابراتی انجام می‌شود. از طرفی، کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات ماده ۳۰۷ منوط به تأیید رئیس قوه قضاییه است و با توجه به دلالت صریح ماده، این اختیار قابل تفویض به دیگران نمی‌باشد.

همانطور که ملاحظه می‌شود، قانونگذار شرایط خاصی را برای کنترل ارتباطات مخابراتی افراد در نظر گرفته که ممنوعیت استراق‌سمع و کنترل تلفنی افراد به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت در اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است و از آیه شریفه (یا ایها الذین آمنوا... لا تجسسوا) (حجرات، ۱۲) نیز دلالت بر عدم تجسس افراد در امور خصوصی دیگران دارد. به نظر می‌رسد با توجه به پدیدار شدن ابزارهای جدید در عرصه ارتباطات الکترونیکی از قبیل پیامک‌های نوشتاری (SMS) و تصویری (MMS) ارتباطات با اینترنت (GPRS) و منحصر نبودن آن در مکالمات صوتی، قانونگذار به درستی به جای واژه‌هایی نظیر (شنود)، عبارت کنترل

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۶۳

ارتباطات مخابراتی را که همه موارد را دربرمی‌گیرد، به کار برده است (رحیمی و رحیمی دهسوری، ۱۳۹۶: ۱۶۳).

همچنین، قانونگذار در کنترل حساب‌های بانکی افراد، واژه تأیید رئیس حوزه قضایی (رئیس دادگستری شهرستان) را به کار برده است که این امر به جهت سهولت دسترسی به وی است و می‌توان از این امر نیز وحدت ملاک گرفت. از طرفی، تشخیص لزوم کنترل ارتباطات مخابراتی بر عهده مقام قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده است که حسب مورد می‌تواند بازپرس، دادستان، دادیار یا قاضی دادگاه باشد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

با توجه به اینکه در صورتی که فردی مرتکب ارتکاب شبکه‌ای جرائم اختلاس، ارتشا یا شرکت‌های هرمی شود، می‌توان در صورتی که برای کشف جرم، کنترل ارتباطات مخابراتی ایشان ضرورت داشته باشد، دستور کنترل ارتباطات مخابراتی وی صادر شود. اما با توجه به آثار زیانبار این جرایم و اینکه تعلل در انجام تحقیقات مقدماتی منجر به از بین رفتن آثار و علائم جرم و همچنین جابجایی و یا انتقال اموال ناشی از جرم می‌شود، به نظر می‌رسد در خصوص ارتکاب شبکه جرایم اختلاس، ارتشا و شرکت‌های هرمی، نیازی به موافقت رئیس کل دادگستری استان که معمولاً با حجم بالای کار نیز روبروست، نباشد.

بنابراین، قانونگذار بایستی این معافیت را در خصوص بزه موصوف در نظر بگیرد. از طرفی، در مانحن فیه موافقت رئیس کل دادگستری استان نیز قابل توجیه و دفاع نمی‌باشد و قانونگذار می‌توانست با توجه به ضرورت بزه‌های معنونه در ماده ۱۵۰ قانون مارالذکر، این اختیار را به دادستان شهرستان و یا حداکثر به قاضی شنود که در هر شهرستان مستقر باشد یا جانشین وی واگذار نماید. هم‌اکنون نیز در عمل کنترل ارتباطات مخابراتی افراد پس از تقاضای قاضی مربوطه و موافقت رئیس کل دادگستری

۲۶۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

استان و ارجاع امر به قاضی اصل ۲۵ قانون اساسی^۱ صورت می‌گیرد که با توجه به زمانبر بودن این اقدامات، به نظر می‌رسد ماده ۱۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با ماده ۹۴ قانون مذکور در تعارض باشد. ضمناً، با توجه به اینکه جرایم اختلاس و ارتشاء و شرکت‌های هرمی شبکه‌ای عمدتاً توسط مقامات و روسا در حد وزیر یا معاون وزیر و یا معاون رئیس‌جمهور و... ارتکاب می‌یابد و یا رد پای ایشان در این جرایم دیده می‌شود، این امر با توجه به فوریت موضوع و تحقیقات عبث می‌ماند. لازم به ذکر است، قانونگذار با زیرکی خاصی صرفاً کنترل مکالمات تلفنی که (علی‌القاعده برخط و آنلاین است) اشخاص و مقامات ماده ۳۰۷ را منوط به تایید رئیس قوه قضاییه قرار داده است که با توجه به نص صریح ماده (به نظر می‌رسد با توجه به دلایل فوق‌الذکر که بیان شد، این امر زاید است)، سایر ارتباطات مخابراتی از جمله ایمیل و غیره را شامل نمی‌شود.

نکته حائز اهمیت این که در جرایم مشهود، هیچ اختیاری برای ضابطان در مورد کنترل ارتباطات مخابراتی اشخاص پیش‌بینی نشده است و نتیجه این که تحت هر شرایطی این اقدام باید با مجوز قضایی باشد. (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۱۲). ضمناً، در خصوص کنترل ارتباطات مخابراتی محکومان با تشخیص دادگاه بدوی که رای زیر نظر آن اجرا می‌شود یا قاضی اجرای احکام صورت می‌گیرد.

۳. چالش کنترل حساب‌های بانکی

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این حق را به قاضی تحقیق داده است که در موارد ضروری و برای کشف جرم و برای دستیابی ادله وقوع جرم، حساب‌های بانکی اشخاص را پس از تأیید رئیس حوزه قضایی کنترل نماید. آنچه که از عبارت حساب‌های بانکی مستفاد می‌شود، آن است که مرجع تحقیق با در نظر گرفتن شرایط

^۱ - قاضی شنود: اصولاً، در هر استان، یکی از قضات باسابقه با ابلاغ رئیس کل دادگستری استان به عنوان قاضی شنود انتخاب می‌شود و اقدامات مورد نظر در خصوص این ماده توسط وی صورت می‌گیرد.

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۶۵

مصرح قانونی، توانایی کنترل حساب‌های بانکی غیرمتهم را نیز داشته باشد که به نظر می‌رسد این موضوع با حقوق اشخاص در تزاخم است.

با این حال، با توجه به سیاق ماده ۱۵۱ و مفهوم و منطوق آن، مرجع تحقیق با جری تشریفات مقرر آن می‌تواند حساب‌های بانکی اشخاص را کنترل کند (الهی‌منش و رحیمی، ۱۳۹۴: ۳۴۸). باید گفت که اولاً، منظور از حساب‌های بانکی تمامی حساب‌هایی است که افراد نزد بانک‌ها و یا موسسات مالی و اعتباری دارند و ثانیاً، منظور از موارد ضروری، وضعیتی است که در فرآیند دادرسی کیفری برای کشف حقایق مرتبط با جرم، اطلاع از مبادلات حساب‌های بانکی اشخاص معین با میزان موجودی آنها، یعنی نحوه و میزان مبالغ واریز شده، برداشت یا انتقال داده شده و دیگر عملیات بانکی موثر در کشف واقعیت‌های مربوط به جرم یا شناسایی و دستگیری متهم باشد (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

سوال این است: در صورت ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس ارتشا و شرکت‌های هرمی که عمدتاً از طریق سیستم بانکی مبالغ هنگفت را جابجا و منتقل می‌کنند، آیا ماده ۱۵۱ می‌تواند مستمسکی برای کنترل حساب‌های افراد غیرمتهم (مثلاً نزدیکان متهم باشد) یا خیر. آیا مقرر فوق شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود و آیا می‌توان در راستای ماده فوق، اقدام به مسدود نمودن حساب‌ها و یا مسدود نمودن موجودی نمود. همچنین، در صورت استتکاف موسسات و بانک‌های خصوصی، ضمانت اجرای این دستور چیست.

به نظر می‌رسد با توجه به سیاق ماده و عبارت حساب‌های بانکی اشخاص، این مورد اختصاص به حساب فرد متهم ندارد، بلکه ممکن است مربوط به حساب افراد دیگری مثل نزدیکان متهم و حتی اشخاص حقوقی نیز باشد (طهماسبی، قبلی). همچنین، با توجه به عمومیت واژه اشخاص، به نظر می‌رسد اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی است و هر دو مشمول حکم ماده موصوفاند.

۲۶۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

اما آیا می‌توان در راستای ماده موجود، اقدام به توقیف حساب نمود؟ به نظر می‌رسد با توجه به ظاهر ماده، پاسخ منفی است؛ چرا که قانونگذار صرفاً لفظ کنترل را به کار برده است و نه توقیف و مسدود نمودن آن. مضافاً آن که اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۹۴/۱۹۸۲ مورخه ۱۳۹۴/۷/۱۵، چنین بیان داشته است که ماده ۱۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فقط در خصوص کنترل حساب بانکی اشخاص است، نه توقیف آنها و این کنترل در همه جرایم که ضرورت پرونده اقتضا کند، برای کشف جرم و یا دستیابی به ادله جرم جایز است. منظور از کنترل حساب بانکی گردش حساب مزبور شامل وجوه برداشت شده یا واریز شده به حساب و تاریخ آنها و شخص یا اشخاص واریزکننده وجه به حساب یا برداشت‌کننده و نهایتاً، موجودی حساب بانکی است.

از طرفی، این دستور زمانی سخت‌تر می‌شود که وجوه به حساب شخصی غیر از متهم واریز شده باشد و لذا، بهتر بود قانونگذار در این خصوص به صراحت تعیین تکلیف می‌کرد. البته، در رویه قضایی دو نظر وجود دارد. عده‌ای با استدلال که با توجه به اینکه وجه حاصل از بزه اختلاس، ارتشا و شرکت‌های هرمی در حساب می‌باشد، به عنوان وجه و اموال حاصل از جرم قابل توقیف است، اقدام به توقیف و مسدود نمودن حساب می‌نمایند. مستند قانونی ایشان مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. این عده از قضات اظهار می‌دارند چون وجوه حاصله در حسابها وجه اختلاس و یا ارتشا و یا شرکت‌های هرمی است، هرچند که به حسابی غیر از حساب متهم واریز شده باشد، چون بازپرس بایستی در خصوص اموال و وجوه حاصل از جرم تعیین تکلیف نماید، بنابراین، بدون اقدام دیگری می‌توان صرفاً با یک دستور، این اقدام را صورت داد.

از طرفی، عده‌ای دیگر اظهار می‌دارند مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۵۱ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و یا مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجوزی برای توقیف حساب با دستور نیست و قانونگذار راهکار این توقیف را ارائه

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۶۷

نموده است. مطابق ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، شاکی می‌تواند تامین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تامین خواسته صادر می‌کند. قرار تامین خواسته امری مدنی است که قانونگذار بر خلاف صلاحیت ذاتی بازپرس برای وی این امر را مقرر نموده است. اما ذکر چند نکته و آن این که اولاً، با توجه به اطلاق ماده صدور قرار تامین خواسته در همه جرایم ممکن است و برخلاف امور حقوقی نیازی به تودیع خسارات احتمالی از جانب شاکی ندارد و تعیین میزان خسارت بر عهده بازپرس است. (رحیمی و رحیمی‌دهسوری، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

ثانیاً، با توجه به اینکه تنها قرارهای نهایی و قرارهای تامین منجر به بازداشت صادر شده توسط دادیار باید به نظر دادستان برسد،^۱ نه قرارهای مقدماتی نظیر قرار تامین خواسته، بنابراین، به طریق اولی، قرار تامین خواسته‌ای هم که بازپرس به عنوان مقامی برخوردار از استقلال بیشتر در برابر دادستان صادر می‌کند، نیازی به موافقت دادستان ندارد (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

ثالثاً، مستفاد از ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان اموالی که در نزد اشخاص ثالث می‌باشد می‌توان توقیف نمود.

رابعاً، ماده مطابق ماده ۱۰۸ قانون فوق‌الذکر در صورتی که خواسته شاکی عین معین باشد یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس می‌تواند معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی را از سایر اموال و دارایی متهم توقیف نماید.

خامساً، ماده ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن در مقام بیان صلاحیت دادگاه‌های حقوقی در رسیدگی به اعتراض اشخاص نسبت به توقیف اموال ناشی از قرار تامین خواسته صادره از سوی بازپرس است (اعتراض ثالث اجرایی) که به آن وفق مقررات ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام

^۱ - ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۲۶۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

مدنی رسیدگی می‌شود. اما تبصره یک ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تبصره ۲ ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی در مقام بیان صلاحیت جزایی و رسیدگی نسبت به اعتراض افراد متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه راجع به اشیا و اموال مذکور در این ماده می‌باشد. بنابراین، بین مواد یاد شده هیچگونه تعارضی وجود ندارد. (مستفاد از نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۵۵۱ مورخه ۱۳۹۴/۶/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه).

اما چالش اصلی پذیرش این نظر نیز آن است که در صورتی که شاکی در مانحن فیه (ادارات دولتی و یا افراد عادی هستند) در صورتی که تقاضای صدور قرار تأمین خود را تقدیم بازپرس ننمایند، بازپرس و راساً نمی‌تواند خود اقدام به صدور این قرار نماید. مضافاً که اجرای این قرار توسط اجرای احکام کیفری مستقر در دادسرا است که با توجه به زمان صدور و اخذ کپی از پرونده و ارجاع آن توسط دادستان یا معاون ارجاع به شعبات اجرای احکام کیفری، ثبت پرونده و ارسال نامه‌ها به سازمان‌ها و ادارات یا بانک‌ها عملاً زمان مناسبی به متهم جهت جابجایی و یا انتقال اموال می‌دهد که این خود نیز مزید بر علت خواهد شد.

به عنوان مثال، در پرونده فساد صندوق ذخیره فرهنگیان حسب محتویات پرونده، شاکی تقاضای قرار تأمین خواسته نکرده است و عملاً بازپرس نتوانست نسبت به توقیف اموال متهمین اقدام نماید. ذکر این نکته ضروری است که طبق ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، استتکاف از دستور مقام قضایی صرفاً ناظر به ادارات و سازمانهای دولتی و شهرداری‌ها است. حال آن که متهمین در این گونه پرونده‌ها معمولاً به سراغ بانک‌ها و موسسات خصوصی می‌روند و عملاً، در صورت عدم اجرای بانک‌ها و موسسات خصوصی از اجرای عوامل قضایی، متاسفانه، هیچگونه ضمانت اجرایی توسط مقام توسط قانونگذار در این موارد ذکر نشده است که جا دارد قانونگذار برای این گونه اقدامات موسسات خصوصی (غیردولتی) فکری عاجل نماید. البته، می‌توان

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۶۹

صرفاً بر طبق مقررات قانون مسئولیت مدنی، صرفاً مسئولیت مدنی را بر مستنکف قرار داد.

۴. چالش ضرورت کارشناس و متخصص

مطابق ماده ۱۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بازپرس راساً و یا به تقاضای یکی از طرفین در صورتی که انجام کارشناسی را ضروری بداند، قرار ارجاع امر به کارشناسی را صادر می‌نماید. در این نوع جرایم، با توجه به وسعت ارتکاب جرم و حجم بالای وجوه اخذ شده و نقش هر یک از افراد باند در اخذ وجوه و اموال شرکت‌ها و موسسات دولتی و در نهایت، تعیین حجم رد مال توسط مرتکبان و ضرر و زیان ناشی از جرم الزاماً بایستی مراتب به کارشناسان علم و فن که علی‌القاعده حسابرس می‌باشند، ارجاع شود. ذکر این نکته ضروری است که نظر کارشناس اماره است و تاب مقاومت در مقابل گواهی گواهان را که بینه شرعی می‌باشد را ندارد و در تعارض نظریه کارشناس با شهادت شهود (یا ادله دیگر) نظریه کارشناس ارزش اثباتی خود را از دست می‌دهد (مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، ۱۳۹۲: ۲۰۰ و ۲۰۱).

قانونگذار در قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب سال ۱۳۸۱ و همچنین، تبصره ۲ ماده ۱۵۶ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در صورتی که حوزه قضایی فاقد کارشناس رسمی باشد و یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری نداشته و یا در دسترس نباشد، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان رسمی آن رشته در حوزه قضایی مجاور و یا اهل خبره استفاده کند. رئیس قوه قضاییه در بخشنامه شماره ۴۱/۸۰/۱ مورخه ۱۳۸۰/۱/۷ در عدم استفاده از کارکنان اداری در امور کارشناسی (خبره) در دعاوی تأکید نموده است.

اصولاً در پرونده‌های اختلاس و ارتشاء و شرکت‌های هرمی شبکه‌ای، گزارش اولیه از طریق وزارت اطلاعات و یا سازمان بازرسی کل کشور به مرجع قضایی (دادسرا)

۲۷۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

ارسال می‌گردد. این گزارش‌ها با توجه به اینکه کارکنان وزارت اطلاعات برای این جرایم آموزش لازم را دیده‌اند و یا در خصوص سازمان بازرسی، چون از وجود قضات و یا اشخاص صاحب صلاحیت و متخصص استفاده می‌کنند، شاید بتوان گفت که حتی ارزش اثبات این گزارش‌ها فراتر از اماره باشد. مطابق ماده ۳ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور با آخرین اصلاحات و الحاقات آن مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵، سازمان بازرسی می‌تواند برای انجام بازرسی و اظهارنظر کارشناسی از وجود قضات و اشخاص صاحب صلاحیت و متخصصان در هر رشته به طور دائم و موقت استفاده نماید و در سایر موارد نسبت به تامین کادر مورد نیاز از طریق انتقال یا مأموریت کارکنان دولت و در صورت عدم امکان از طریق استخدام اقدام نماید و یا مطابق اصل ۵۵ قانون اساسی دیوان محاسبات کل کشور، به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند، به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی و یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکند و هر وجهی در محل خود مصرف شود. این دیوان موظف است سالانه گزارش تفریق بودجه را به مجلس تقدیم کند. قانون محاسبات کل کشور مصوب ۱۳۶۶ در مواد ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴ وزارت امور اقتصادی و ذیحسابان مستقر در دستگاه‌های اجرایی را مکلف نموده است در صورتی که موردی از موارد تصرف غیرقانونی در اموال دولت به هر نحو را مشاهده نمایند، سریعاً موضوع را با ذکر مستندات و ریزحساب‌ها و گزارش حسابرسی آن به سازمان امور اقتصادی آن اعلام و از طریق دادرسی دیوان محاسبات پس از رسیدگی به انجام امورات کارشناسی، به قوه قضاییه ارسال شود.

حال این سوال پیش می‌آید که در صورت اعتراض متهم به نظریه کارشناسی سازمان بازرسی کل کشور و یا دیوان محاسبات، آیا بازپرس تکلیفی در پذیرش آن دارد یا خیر. مبنای پذیرش چیست و در صورت پذیرش، به چه ارگانی، نهاد و یا هیاتی بایستی ارجاع شود.

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۷۱

آنچه که در قوانین ذکر شده است، در صورتی بازپرس می‌تواند موضوع را به کارشناس بالاتر یا هیات کارشناسی ارجاع دهد که اولاً، نظر کارشناس به نظر بازپرس محل تردید باشد و یا ثالثاً، در صورت تعدد کارشناسان بین آنها اختلاف نظر باشد. حال سوال این است که منظور از محل تردید به نظر بازپرس چیست. مستفاد از مواد ۲۶۳ و ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی، به نظر می‌رسد منظور از محل تردید همان عدم تطابق نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی است؛ به نحوی که آن نظریه باعث اقتناع وجدانی قاضی نشود و بازپرس آن نظریه را منطبق با واقع تشخیص ندهد (مستفاد از نظریات مشورتی شماره ۷/۹۳۲ مورخه ۱۳۸۷/۳/۱۶ و ۷/۶۶۱۱ مورخه ۱۳۷۹/۷/۱۹ و ۷/۱۶۷۶ مورخه ۱۳۹۲/۸/۲۸ اداره کل حقوقی قوه قضاییه).

به نظر می‌رسد در صورتی که متهمین و یا شکات دلایلی برخلاف نظریه کارشناسی ارائه نموده‌اند و یا نظریه سازمان بازرسی و یا دیوان محاسبات با واقعیت‌های موجود در پرونده مطابقت نداشته باشد، بازپرس می‌تواند موضوع را به کارشناس دیگری ارجاع دهد. اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه سازمان بازرسی، دیوان محاسبات، سازمان حسابرسی مراجع تخصصی و فنی در امر حسابداری و حسابرسی می‌باشند و در کشور نیز هیچ مرجعی یا کارشناسی امکانات و یا تخصص این سازمان‌ها و ادارات را ندارد، ارجاع به هیات بالاتر (هیات سه نفره کارشناس رسمی دادگستری) کاری عبث و بیهوده است؛ چرا که عموماً این سازمان‌ها از سلامت بیشتری نسبت به کارشناسان رسمی و خبره دادگستری برخوردارند. حال سوال این است: در صورت ارائه مدارک مثبت از سوی هر یک از طرفین و محل تردید قرار گرفتن نظریه این سازمان‌ها، تکلیف چیست؟ به نظر می‌رسد در صورت نقض نظریه کارشناسی و یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس، بازپرس می‌تواند به استناد تبصره ماده ۱۶۳ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ قرار تکمیل کارشناسی را صادر و موضوع را با همان مدارک مثبت به دلایل ابرازی طرفین به همان کارشناس (سازمان بازرسی یا دیوان محاسبات یا سازمان حسابرسی) ارجاع تا مجدداً اظهار نظر نماید.

۲۷۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

ذکر این نکته ضروری است که صرف اعتراض یکی از طرفین موجب ارجاع موضوع به هیات کارشناسی نیست. ضمناً، استفاده از حساب‌رسان می‌تواند آزمون‌های جنایی کاملی را به عنوان بخشی از فرآیند دادرسی دقیق را انجام دهد یا اینکه ماموران تحقیق از طریق این آزمون‌ها ادله راجع به افراد یا نهادهای متهم را جمع‌آوری کنند (لانگست، پیتر و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۳۴ و ۵۳۵)

۵. چالش بازداشت متهم در مرحله تحقیقات

قرار در لغت، به معنای ثبات آسودگی و آسایش است و در اصطلاح حقوقی، به معنای دستور، نظر و تصمیم مقام قضایی به کار می‌رود. قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۲۹۹ ضمن تعریف حکم تعریف سلبی از قرار ارائه کرده است. چنانچه رای دادگاه راجع به ماهیت دادگاه و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر اینصورت، قرار نامیده می‌شود. حقوقدانان قرار را به دو دسته قرار اعدادی و نهایی تقسیم کرده‌اند که قرار اعدادی قرار است از برای آماده کردن مقدمات صدور حکم از قبیل قرار ارجاع امر به کارشناسی، قرار اناطه و مانند اینها که از جمله آنها قرار تامین کیفری است (مصدق، ۱۳۹۶: ۱۸۰).

هیچنان که برخی گفته‌اند قرارهای تامین و نظارت قضایی سازوکارهای حقوقی هستند که از طریق آنها متهم از آغاز تحقیقات مقدماتی تا شروع به اجرای حکم یا مختومه شدن پرونده، تحت کنترل و نظارت مقامات قضایی است. هدف از این قرارها، جلوگیری از بازداشت شدن متهم قبل از محاکمه و در عین حال کنترل و در دسترس بودن او و تضمین حقوق بزه‌دیده است. با عنایت به اینکه بازداشت قبل از محکومیت خلاف اصل براءت است، قرارهای تامین و نظارت قضایی جایگزین مناسبی برای بازداشت قبل از محاکمه محسوب می‌شوند. (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۱۱۷ و ۱۱۸).

قانونگذار در ماده ۲۱۷ به بازپرس تکلیف کرده است که پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم از متهم در صورت وجود دلایل کافی، بایستی یکی از قرارهای مندرج در ماده فوق را برای متهم صادر نماید. پس ابتدئاً بایستی بر اساس ماده ۱۶۸ آیین دادرسی

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۷۳

کیفری مصوب ۱۳۹۲ دلیل کافی بر احضار متهم وجود داشته باشد و سپس بر اساس ماده ۲۱۷ و پس از تفهیم اتهام و وجود دلایل کافی بر انتساب بزه به متهم برای متهم قرار صادر نمود.

ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد: به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف- التزام به حضور با قول شرف

ب- التزام به حضور با تعیین وجه التزام

پ- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف

ت- التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام

ث- التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

ج- التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط

چ- التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

ح- اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله

خ- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول

د- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی

همانطور که ملاحظه می‌شود خفیف‌ترین نوع قرار، قرار التزام به حضور با قول شرف و شدیدترین نوع قرار، قرار بازداشت موقت است. حال سوال این است که ضابطه صدور قرار چیست. در مقام پاسخ باید ذکر نمود که با توجه به ماده ۲۵۰ قانون

۲۷۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲^۱، قرار تامین باید با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی و سن، جنس، شخصیت و حیثیت متهم بایستی تناسب داشته باشد.

بنابراین، اصل تناسب تامین به منظور جلوگیری از خودکامگی قضات و نقض حقوق و آزادیهای متهم پیش‌بینی شده است و تبصره ماده ۲۵۰ در مقام بیان ضمانت اجرای آن می‌گوید ((اخذ تامین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا است)). در عین حال، باید توجه داشت که لزوم تناسب تامین نه تنها در صدور آن، بلکه در تداوم آن نیز باید رعایت گردد و در نتیجه، قرار تامین باید هم متناسب باشد و هم متناسب بماند. بنابراین، اصل مذکور به مقام صادرکننده قرار اختیار تجدیدنظر در آن و حفظ این تناسب را هم می‌دهد و در صورت لزوم، وی می‌تواند آن را خفیف‌تر یا شدیدتر نماید (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۲۵).

در ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس، ارتشا و شرکت‌های هرمی بایستی ابتدا شرایط ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در نظر گرفته شود. ضابطه صدور قرار در ماده ۲۵۰ در برخی موارد نوعی (چون میزان مجازات و نوع اهمیت جرم) و در برخی موارد شخصی است (چون سن وضعیت جسمی و روحی و سابقه متهم). هرچند برای صدور قرار کفالت و وثیقه موارد خاصی بیان شده است، چون ماده ۲۲۱ که اشعار داشته است کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که معافیت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه‌الکفاله محل تردید نباشد. از طرفی، مطابق تبصره ۳ ماده ۲۱۷ در جرایم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگری امکان‌پذیر باشد، نمی‌توان قرار کفالت یا وثیقه صادر نمود. آنچه که در رویه قضایی مرسوم است، در جرایم عمدی قضات عموماً از سه نوع قرار تامین کفالت، قرار وثیقه و قرار بازداشت موقت استفاده می‌نمایند و صرفاً در جرایم عمدی که مجازات آن

^۱ - به اصل تناسب قرار تامین معروف است.

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۷۵

بسیار سبک است چون توهین که متهم آن مثلاً زنی ۶۰ ساله است و بندرت قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌نمایند.

نگارنده با ملاحظه پرونده‌های اختلاس، ارتشا و شرکت‌های هرمی دریافت که اصولاً رویه قضایی صرفاً تمایل به صدور قرارهای تامین کفالت و وثیقه و در برخی از مواقع، قرار بازداشت موقت دارد، اما در ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس، ارتشا و شرکت‌های هرمی با توجه به نوع مجازات آنها اساساً اصل بر صدور قرار بازداشت موقت و پس از آن قرار وثیقه است و به ندرت برای برخی از معاونین در جرم ارتكابی قرار کفالت صادر شده است. و لیکن، در صورتی که قرار تامین منتج به آزادی متهم گردیده است، با قرار پوششی (نظارت قضایی) و با رعایت مواد ۲۴۷ الی ۲۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، متهم تحت مراقبت شدید، جهت جلوگیری از فرار وی قرار گرفته است.

یکی از قرارهای نظارت قضایی که در این پرونده‌ها صادر می‌شود، معرفی نوبه خود به مراکز و نهادهای تعیین شده توسط بازپرس چون اداره اطلاعات و یا شخصی که بازپرس معرفی می‌کند و همچنین، ممنوعیت خروج از کشور است، اما متأسفانه قانونگذار کیفری در سال ۱۳۹۲ به یکباره اصل را بر عدم صدور قرار بازداشت موقت نهاده، آن را هم صرفاً در موارد خاصی بیان داشته است. مطابق ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر در مورد جرایم زیر که دلایل قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف) جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد یا قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل یا بیش از آن است.

ب) جرایم تعزیری که درجه ۴ و بالاتر است

پ) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه ۵ و

بالاتر است

۲۷۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم و یکم، پاییز ۱۳۹۷

ت) ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام می‌شود
ث) سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که مضمول بند ب این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.
تبصره موارد بازداشت موقت الزامی موضوع قوانین خاص به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است.
در ماده ۲۳۸ قانونگذار اشعار داشته است که:

صدور قرار بازداشت موقت در موارد مذکور در ماده قبل منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

الف) آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند.
ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد.
پ) آزاد بودن متهم محل نظم عمومی موجب به خطر افتادن جان شاکی شود و یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

اما ذکر چند نکته اولاً به موجب تبصره ماده ۲۳۸ قانون اخیرالذکر موارد بازداشت موقت الزامی موضوع قوانین خاص به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون یعنی از ۱۳۹۴/۴/۱ ملغی است که یکی از موارد آن تبصره ۴ ماده ۳ و تبصره ۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد.

بر طبق مواد مذکور، چنانچه میزان رشوه بیش از دوپست هزار ریال باشد و یا در صورتی که میزان اختلاس بیش از یکصد ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت الزامی بوده. بنابراین، در فرض حاصل برای کسانی که به ارتکاب اختلاس، ارتشاء و یا شرکت‌های هرمی تحت تعقیب قرار می‌گیرند، بازپرس

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۷۷

نمی‌تواند قرار بازداشت موقت صادر کند و لذا، صرف نظر از موضوع و میزان اموال اخذ شده، بازپرس مکلف است که از قرارهای تامین کیفری کفالت یا وثیقه را استفاده نموده و اقدام به اصدار این نوع قرارها نماید؛ چراکه بر اساس بندهای ب و ث ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اولاً، در خصوص مجازات شرکت‌های هرمی با توجه به تبصره ۱ ماده ۲ قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور، در صورتی که تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در شرکت‌های هرمی عمده نباشد، مرتکب به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و رد مال در حق شکات و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده است، محکوم می‌شود. با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بزه مذکور درجه ششم می‌باشد، حال آنکه بند ب ماده ۲۳۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صدور قرار بازداشت موقت در جرایم تعزیری درجه ۴ به بالاتر را (یعنی جرایم تعزیری درجه یک و دو و سه و چهار) ملاک قرار داده است.

از طرفی، در بند ث ماده ۲۳۷ برای صدور قرار بازداشت موقت برای مرتکبین اختلاس و ارتشاء، می‌بایستی اولاً احراز نمود که متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی و غیرقطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول باشد و ثانیاً، بازپرس بایستی یکی از بیم‌های مصرحه در ماده ۲۳۸ قانون موصوف را احراز نماید.

به هر حال، ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بر دو مبنای جرم محوری و مجازات محوری تبیین شده است. دیدگاه قانونگذار در برخی موارد چون بند الف ماده مذکور به مجازات بزه و در مواردی چون بند ب، پ، ت و ث ماده موصوف به جرم می‌باشد. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که آیا برای صدور قرار بازداشت موقت در خصوص اختلاس و ارتشاء شبکه‌ای بایستی بر طبق بند ث ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ احراز نمود که متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت کیفری قطعی است یا بر طبق بند الف ماده فوق‌الذکر، به لحاظ مجازات آن

۲۷۸.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

می‌توان قرار بازداشت موقت بدون در نظر گرفتن نوع بزه آن صادر نمود. شاید از دیدگاهی بتوان گفت که بزه اختلاس و ارتشای شبکه‌ای همان اختلاس و ارتشای ساده‌اند و لیکن، به لحاظ این که در آنها سردستگی وجود دارد، تشدید شده‌اند. لیکن، به نظر می‌رسد با توجه به اهداف قانونگذار در صدور قرار تامین کیفری (که موارد آن در ماده ۲۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است) نظیر میزان مجازات و نوع اهمیت جرم و... این که مجازات بزه موصوف در خوش‌بینانه‌ترین حالت، حبس درجه یک می‌باشد و در برخی مواقع اعدام خواهد بود. از طرفی، آنچه که در رویه عملی دادرها و دادگاهها وجود دارد، آن است که بازپرسان در مواجهه با این جرایم، قرار بازداشت موقت صادر نموده و قضات محاکم نیز در مقام اعتراض به این قرار توسط متهم، ضمن رد اعتراض ایشان، قرار بازداشت موقت را تأیید نموده‌اند. مضافاً آنکه بر طبق ماده ۱۶ آئین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷/۸/۲۳، رئیس قوه قضائیه نیز بر صدور قرار بازداشت موقت برای متهمین موضوع قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور (و همچنین، جرایم شبکه‌ای که در نهایت، باعث اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند) تأکید شده است.

بنابراین، با توجه به مراتب فوق در ارتکاب شبکه‌ای جرائم اختلاس ارتشا و شرکت‌های هرمی، در صورتی که شبکه‌ای بودن بزه‌های مصوب احراز شود و با توجه به ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری که مجازات آن را از ۱۵ سال تا حبس ابد و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشد، به مجازات افساد فی الارض (اعدام) و همچنین، در صورتی که در شرکت‌های هرمی قصد ضربه زدن به نظام یا قصد مقابله با نظام و یا علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام احراز شود، در صورتی که در حد افساد فی الارض باشد، به اعدام و در غیر این صورت، به ۵ تا ۲۰ سال حبس (که با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درجه دو می‌باشد) محکوم می‌شود.

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۷۹

فلذا، با عنایت به مراتب فوق و همچنین، بند الف و ب ماده ۲۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ناظر به بند ث ماده ۲۳۷ قانون اخیرالذکر می‌توان قرار بازداشت موقت صادر نمود.

از طرفی، بازپرس مکلف است هر دو ماه یکبار در قرار بازداشت موقت اظهارنظر نماید؛ بدین صورت که قانونگذار وی را مکلف به فک یا تخفیف یا ابقاء قرار نموده است و متهم می‌تواند در صورت ابقای قرار، به آن اعتراض نماید، اما قانونگذار در ذیل ماده ۲۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقررهای را در خصوص حداقل مدت بازداشت متهم تعیین نموده است. قانونگذار ذکر نموده است که مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر صورت، در جرائم موجب مجازات سلب حیات، مدت بازداشت موقت از ۲ سال و در سایر جرایم از یک سال تجاوز نکند. در این نوع سیاست کیفری، مجازات به جای آنکه به شکل اجرایی و اداری و پنهان از دید مردم اجرا گردد، باید بیشتر در انظار عمومی باشد و وفاق عمومی باید بر دانش تخصصی، کنشگران رسمی نهاد عدالت کیفری تقدم داشته باشد. به همین دلایل، به خاطر نزدیک‌تر شدن روابط بین دولت‌ها و آن افراد و سازمان‌هایی که ادعا می‌کنند از طرف مردم حرف می‌زنند و ارتباط ضعیف‌تر دولت و مشاوران دولتی حالا احتمال بیشتری وجود دارد که این عقاید عمومی به سیاست ترجمه و تبدیل شود (پرت، ۱۳۹۲: ۵۶ و ۵۵).

اصولاً، این مقررره نیز نیاز به اصلاح دارد. به عنوان مثال، در پرونده معروف به فساد نفتی، تحقیقات دادسرا در حدود سه سال به طول انجامید؛ چراکه حجم اموال تحصیل شده و رشوه‌های پرداختی و مال‌الرشاه اخذ شده از سوی افراد و همچنین، مبالغ حسابرسی وی باعث شد که بازپرس نتواند در فرجه قانونی دو سال مبادرت صدور به تصمیم نهایی نماید. حال آنکه به وضوح روشن است که در صورت فک قرار بازداشت موقت و تخفیف آن به یکی از قرارهای کفالت و یا وثیقه متهم به هر نحو مبادرت به فرار از کشور می‌نماید. لازم به ذکر است (در صورت اتخاذ تصمیم نهایی در دادسرا و

۲۸۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

صدور قرار جلب به دادرسی و موافقت دادستان با آن و ارسال پرونده به دادگاه صالح و اعاده پرونده از دادگاه به دادرسی به واسطه وجود نقص در تحقیقات و رفع آن از سوی مقام تحقیق (موضوع ماده ۲۷۴ آیین دادرسی کیفری) رعایت موارد فوق جهت بازبینی ضروری نیست، زیرا پرونده از دادرسی خارج شده و مطابق ماده ۲۴۲ آیین دادرسی کیفری، منتهی به صدور تصمیم نهایی گردیده است (الهی‌منش و رحیمی، ۱۳۹۴: ۴۸۰).

همچنین، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شجاعانه و البته، قابل دفاع اشعار داشت که مقررات ماده ۲۴۲ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ صرفاً ناظر به مرحله تحقیقات مقدماتی و قبل از صدور کیفرخواست است و بعد از ارسال پرونده به دادگاه در این مورد تکلیفی ندارد (ر.ک نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۳۹۹ مورخه ۹۴/۶/۴).

به هر حال، در صورت طی شدن یک سال از تاریخ صدور قرار بازداشت موقت، در صورتی که ارتکاب شبکه‌ای جرایم اختلاس، ارتشا و شرکت‌های هرمی مصداق افساد فی‌الارض نباشند) و همچنین، در صورت مضي دو سال از تاریخ صدور قرار بازداشت موقت، در صورتی که مصداق افساد فی‌الارض باشد، بازپرس مکلف است قرار بازداشت موقت متهم را فک و آن را به قرار کفالت یا وثیقه‌ای که منتهی به آزادی شدن متهم می‌شود، تبدیل نماید. بنابراین، با توجه به دلایل پیش‌گفته و با توجه به سودهای کلانی که جرایم سازمان‌یافته نصیب مرتکب این جرم می‌شود و در نتیجه، متهمان به راحتی می‌توانند جهت حضور خود وجه‌الضمان و وثیقه تودیع نمایند و پیش از محاکمه، از بازداشت شدن خود جلوگیری کنند، بنابراین، اثر بازدارنده وثیقه به همین اندازه کاهش یافته و به این نحوه اجرای قانون و عدالت سست و بی‌اعتبار می‌گردد (جوانمرد، ۱۳۹۳: ۲۸۸).

نمونه بارز آن را می‌توان در پرونده معروف به عابربانک پرسپولیس (متهم ح.ه) یافت. در این پرونده، احدی از متهمان که برای وی قرار وثیقه سنگین معادل ۷ میلیارد تومان صادر شده بود، پس از تودیع وثیقه، از کشور فرار نموده است. تأثیر تدابیر

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۸۱

پیشگیرانه در هر حال مطلق نیست و بلکه هم به جهات عینی ناظر به جرم مانند موقعیت ارتکاب جرم یا نادرست بودن روش پیشگیری و هم به جهات شخصی مانند روحیات مرتکب و ویژگی‌های فردی وی ممکن است در برخی مواقع پیشگیری با موفقیت همراه نشود (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

۶. چالش مدت زمان صدور قرار نهایی

پس از تفهیم اتهام و صدور قرار نهایی بازپرس، پس از پایان تحقیقات مقدماتی و در صورت وجود دلایل کافی بر وقوع جرم به متهم یا وکیل وی اعلام می‌دارد که هر اظهارنظری به عنوان آخرین دفاع برای برائت یا کشف حقیقت دارد، اظهار نماید، باید گفت که اخذ آخرین دفاع حق متهم است و بازپرس از این راه با متهم اتمام حجت می‌کند و هر راهی را برای عذرهای دیگر مسدود می‌نماید تا نتواند ادعا کند که فرصت دفاع کامل برای او فراهم نشده است. پس اگر متهم نخواهد از این حق استفاده نکند، به اعمال آن نیازی نمی‌باشد (زراعت، ۱۳۹۴: ۲۵۰). از طرفی، متهم می‌تواند در جهت اعمال این حق، شخصاً یا این که وکیل خود را به شعبه معرفی نماید و یا این که از این حق عدول نموده و در شعبه حاضر نشود. به هر حال، پس از انجام تحقیقات و اعلام کفایت آن و همچنین، اعلام ختم تحقیقات مقدماتی، بازپرس مکلف است ظرف حداکثر ۵ روز مبادرت به صدور قرار نهایی نماید. قرار نهایی بازپرس بایستی مستدل و مستند باشد. اداره کل حقوقی سازمان نیروهای مسلح در نظریه شماره ۷/۹۳/۲۴۰۷ مورخه ۹۳/۱۰/۳، اعلام داشته است که لازم است که بازپرس نیز در اظهار عقیده‌اش به مجرمیت مستدل و مستند به موارد قانونی اظهار عقیده نماید، زیرا مجرم دانستن متهم به ارتکاب جرم مستلزم تعیین عنصر قانونی جرم انتسابی نیز می‌باشد.

شایان ذکر است در ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بر لزوم مستند بودن اظهار عقیده بازپرس تصریح شده اقدام نماید. با این حال، قانونگذار حداکثر مدت صدور قرار نهایی را پنج روز تعیین کرده است. این امر نیز با واقعیت‌های روز قوه قضاییه و امکانات فعلی آن و حجم پرونده‌های ورودی به شعبات مطابقت

۲۸۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

ندارد، چرا که پرونده‌های اختلاس، ارتشا و شرکت هرمی علی‌القاعده چندین جلد و یا کارتن می‌باشند. به عنوان مثال، در پرونده موسوم به اختلاس از شرکت بیمه ایران بالغ بر ۸۰ جلد بود و عملاً نمی‌توان با توجه به اینکه قضات مکلف‌اند روزانه به پرونده‌های دیگر نیز رسیدگی نمایند، ظرف پنج روز قرار نهایی این پرونده را صادر نمود. فلذا، به نظر می‌رسد قانونگذار باید در این مورد تجدیدنظر نماید و مدت زمان معقولی جهت صدور قرار نهایی در این پرونده‌ها را مدنظر قرار دهد. ضمناً، قرار نهایی پرونده موصوف بالغ بر ۱۲۰۰ صفحه بوده است. حال اگر بازپرس نتواند در مدت پنج روزه مبادرت به صدور قرار نهایی نماید، وضعیت پرونده او به چه شکل خواهد بود. با مذاقعه در قوانین در خصوص وضعیت پرونده و این که آیا تحقیقات بلا اثر یا باطل است، حکم صریحی وجود ندارد. پس بنابراین، تحقیقات پرونده صحیح می‌باشند. اما در خصوص بازپرس با توجه به بند ۲ ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۲ در صورت عدم ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا تأخیر غیرموجه کمتر از یک ماه در صدور رای و اجرای آن، بازپرس مرتکب تخلف انتظامی شده و بر اساس ماده ۱۵ قانون موصوف به مجازات انتظامی درجه ۴ تا ۷^۱. پس بنابراین، با جمع مواد فوق به نظر می‌رسد بازپرس در صورت وجود جهات موجه تا یک ماه فرصت دارد عقیده خود را که به صورت قرار نهایی است، اعلام نماید.

^۱ - این مجازات‌ها عبارت‌اند از: (کسر حقوق ماهیانه تا یک سوم از ۶ ماه تا یک سال، کسر حقوق ماهیانه تا یک سوم از یک سال تا دو سال، تنزیل یک پایه قضایی و در مورد قضات نظامی، تنزیل یک درجه نظامی یا رتبه کارمندی، تنزیل دو پایه قضایی و در مورد قضات نظامی، تنزیل دو درجه نظامی و یا دو رتبه کارمندی)

چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشاء و ۲۸۳

منابع:

قرآن کریم

- الهی‌منش، محمدرضا، رحیمی، محمد مهدی (۱۳۹۴). آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات مجد، تهران.

- پرت، جان (۱۳۹۲). عوام‌گرایی کیفری (بسترها، عوامل و آثار)، ترجمه هانیه هژیرساداتی، چاپ اول، نشر میزان، تهران.

- توسلی‌زاده، دکتر توران (۱۳۹۲). پیشگیری از جرایم اقتصادی، چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه، تهران.

- جوانمرد، دکتر بهروز (۱۳۹۳). آئین دادرسی کیفری اختصاصی (افتراقی) در جرایم سازمان‌یافته فراملی، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، تهران.

- خالقی، دکتر علی (۱۳۹۴). آئین دادرسی کیفری، جلد اول (دعای ناشی از جرم)، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ بیست و هفتم، تهران.

- خالقی، دکتر علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، انتشارات شهر دانش، تهران.

- رحیمی، دکتر موسی، رحیمی‌دهسوری، رضا (۱۳۹۶). گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری دکتری و رویه قضایی، چاپ اول، انتشارات جاودانه جنگل، تهران.

- زارعت، دکتر عباس (۱۳۹۴). آئین دادرسی کیفری (جلد سوم)، چاپ اول، نشر میزان، تهران.

- صابر، دکتر محمود (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، انتشارات دادگستر، تهران.

۲۸۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

-طهماسبی، دکتر جواد (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم (تحقیقات مقدماتی)، چاپ دوم، انتشارات میزان، تهران.

-لانگست، پیتر و دیگران (۱۳۸۷). برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، برگردان امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره مندبگ نظر، چاپ اول، ناشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

-مجموعه نشستهای قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری، تدوین معاونت آموزش قوه قضائیه، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷

-مصدق، دکتر محمد (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری بر مبنای آخرین اصلاحات قانون مصوب ۱۳۹۴، جلد اول، چاپ اول، انتشارات جنگل جاودانه، تهران.

-سایت <https://www.mashregnews.ir/news/۹۴۴۸۳۷>

-سایت www.tasnimnews.com/fa/news/ مورخه ۱۴/۰۳/۱۳۹۷.

-جزوه دوره نهم آموزشی کارآموزان قضایی استان کرمانشاه، دکتر اعظمی.